

ازدواج دایم با زنان اهل کتاب

○ سید کاظم حائری

چکیده

آیه پنجم سوره مائده «...والمحصنات من الذین أوتوا الكتاب...» و روایات صحیح فراوانی به وضوح دلالت بر جواز ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب دارد. روایاتی که دلالت بر عدم جواز دارد، از نظر تعداد، کم تر و از نظر سند و دلالت ضعیف تر است. آیه «لأتمسکوا بعصم الکوافر» که به نظر برخی دلالت بر عدم جواز ازدواج، با زنان اهل کتاب دارد، اولاً قبل از آیه «...والمحصنات من الذین أوتوا الكتاب» نازل شده و نمی تواند ناسخ آن باشد، ثانیاً لفظ «کوافر» در آیه مذکور انصراف به مشرکان دارد و شامل اهل کتاب نمی شود.

آیا ازدواج با زنان اهل کتاب جایز است؟

از برخی روایات استفاده می شود که ازدواج با زنان اهل کتاب جایز است؛ مانند صحیحہ ابی ولاد:

قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: المسلم يرث امرأته الذمیة وهي لآثرته؛^۱

ابی ولاد به نقل از امام صادق (ع) می گوید: مرد مسلمان از زن ذمی اش

ارث می برد، ولی زنش از او ارث نمی برد.

از آن جا که احتمال دارد این روایت مربوط به جایی باشد که زن و شوهر هر دو کتابی بوده و سپس شوهر مسلمان شده باشد، پس اطلاق ندارد تا شامل ازدواج مرد مسلمان از ابتدا با یک زن اهل کتاب شود؛ زیرا این حدیث در باره حکم دیگری یعنی ارث مرد مسلمان از زن اهل کتاب وارد شده است و لذا از جهت اثبات موضوع اطلاق ندارد.

حدیث دیگری که در خصوص ازدواج با زنان اهل کتاب وجود دارد صحیحہ عبد اللہ بن سنان از امام صادق (ع) است:

قال: سأله أبي وأنا اسمع عن نكاح اليهودية والنصرانية، فقال (ع): نكاحها أحب إليّ من نكاح الناصية. ^۲ ما أحب للرجل المسلم أن يتزوج اليهودية ولا النصرانية مخافة أن يتهود ولده أو يتنصر؛ ^۳

عبد اللہ بن سنان می گوید: پدرم از امام صادق (ع) در باره ازدواج با زن یهودی و نصرانی پرسید و من [سخنشان را] می شنیدم. آن حضرت فرمودند: ازدواج با آن دو نزد من خوشایندتر از ازدواج با زن ناصبی است. همچنین فرمودند که دوست ندارم مرد مسلمانی با زن یهودی یا نصرانی ازدواج کند؛ چون می ترسم فرزندش یهودی یا نصرانی شود.

این احتمال که روایت مذکور به ازدواج موقت (متعہ) اختصاص داشته باشد خیلی بعید است؛ زیرا مصداق بارز نکاح و ازدواج - هنگامی که به صورت مطلق باشد - همانا ازدواج دائم است.

البته این دو صحیحہ به ازدواج مرد مسلمان با زنان اهل کتاب اختصاص دارد و شامل ازدواج مرد کتابی با زن مسلمان نمی شود. همچنین آیه شریفه: **وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ...** ^۴ نیز در صورتی که شامل نکاح دائم باشد اختصاص به ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب دارد.

صحیحہ معاویہ بن وهب از امام صادق (ع) نیز مانند دو صحیحہ قبلی است. در این صحیحہ آمده است:

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۰ از ابواب ما یحرم بالكفر، ص ۵۵۲، ح ۱.

۳. همان، باب ۱ از ابواب ما یحرم بالكفر، ص ۵۳۴، ح ۵.

۴. مائده، آیه ۵.

في الرجل المؤمن يتزوَّج اليهودية و النصرانية، فقال(ع): إذا أصاب المسلمة فما يصنع باليهودية و النصرانية؟ فقلت له: يكون له فيها الهوى، قال: إن فعل فلیمنعها من شرب الخمر و اكل لحم الخنزير و اعلم ان عليه في دينه غصاضة؛^۵

معاوية بن وهب می گوید: از امام صادق(ع) در باره مرد مؤمنی که با زن یهودی یا نصرانی ازدواج کرده، پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمودند: وقتی به زن مسلمان دست یافت [ازدواج کرد] با زن یهودی و نصرانی چه کار دارد؟ گفتم: عشق او را در دل دارد. فرمودند: در این صورت باید آن زن را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک باز دارد. بدان که در دین آن مرد نقصانی است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آنها ازدواج با زن یهودی و نصرانی بعد از ازدواج با زن مسلمان جایز نیست؛ ولی ازدواج با زن مسلمان پس از ازدواج با زن یهودی یا نصرانی جایز است، همان گونه که ازدواج با زن یهودی بعد از ازدواج با زن نصرانی اشکالی ندارد.^۶

دلیلی را نیافتیم که اجازه داده باشد زن مسلمانی همسر مردی از اهل کتاب باشد، مگر در صورتی که هر دو از اهل کتاب بوده سپس زن مسلمان شود. البته مدرک این حکم روایتی^۷ است که سندش صحیح نیست؛ علاوه بر این که با روایات دیگر نیز مانند صحیح محمد بن ابی نصر^۸ و صحیح عبدالله بن سنان^۹ تعارض دارد.

به هر حال اگر ازدواج ابتدایی با اهل کتاب جایز باشد، به طریق اولی در صورتی که شوهر مسلمان شود، زوجیت زن کتابی باقی می ماند. همچنین اگر زن مسلمانی مرتد شود و دوباره دین شوهر اهل کتابش را بپذیرد بر زوجیتش باقی می ماند. دلیل این حکم، تعدی عرفی است. البته در باره مجوسی روایتی وجود دارد که مطابق آن مجوسی به مشرک ملحق می شود. پس اگر مرد مجوسی اسلام بیاورد ولی زن همچنان مجوسی باقی بماند نکاح آن دو تا پایان عده باقی است و اگر قبل از تمام شدن عده هر دو مسلمان شوند نکاح آن دو باقی

۵. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۳۶، ح ۱.

۶. همان، باب ۷ و ۸ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۴۴ و ۵۴۵.

۷. همان، باب ۹ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۴۶-۵۴۹، ح ۱ و ۵.

۸. همان، باب ۵ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۴۲، ح ۵.

۹. همان، باب ۹ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۴۷، ح ۴.

خواهد ماند. در صحیحہ منصور بن حازم آمده است:

قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل مجوسي كانت تحته امرأة على دينه فأسلم أو أسلمت، قال (ع): ينتظر بذلك انقضاء عدتها، فإن هو أسلم أو أسلمت قبل أن تنقضي عدتها فهما على نكاحهما الأول، وإن هي لم تسلم حتى تنقضي العدة فقد بانت منه؛^{۱۰} منصور بن حازم می گوید: از امام صادق (ع) در باره مردی مجوسی پرسیدم که زنی مجوسی داشت، سپس یکی از آن دو مسلمان شدند. حضرت فرمودند: مرد باید منتظر تمام شدن عده زن باشد. اگر آن مرد یا زن قبل از انقضای عده مسلمان شود نکاح اوگیه آن دو باقی می ماند، و اگر زن مسلمان نشود تا این که عده اش پایان یابد از او [به صورت باین] جدا می شود.

در برابر ادله جواز نکاح دایم با اهل کتاب، یک آیه و چند روایت مبنی بر عدم صحت نکاح دایم با اهل کتاب وجود دارد:

خداوند می فرماید: «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ»؛^{۱۱} زنان کافر را به همسری نگاه ندارید. پنداشته شده که مورد نزول این آیه شریفه زنان مشرک هستند، ولی می توان گفت که آیه مطلق است و شامل زنان اهل کتاب نیز می شود.

روایاتی داریم که از ازدواج با زنان اهل کتاب منع کرده است؛ مانند صحیحہ محمد بن مسلم از امام باقر (ع):

قال: سألت عن نصارى العرب أتوكل ذبائحهم؟ قال (ع): كان علي (ع) ينهى عن ذبائحهم وعن صيدهم وعن مناكحتهم؛^{۱۲}

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (ع) در باره عرب های مسیحی پرسیدم که آیا می شود حیوانات ذبح شده توسط آنان را خورد؟ حضرت فرمودند: امیرالمؤمنین (ع) از خوردن حیوانات ذبح شده یا صید شده توسط آنان و ازدواج با آنان نهی می کرد.

۱۰. همان، ح ۳.

۱۱. ممتحنه، آیه ۱۰.

۱۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۳۳، ح ۲.

روایاتی نیز داریم که ازدواج با زنان اهل کتاب را شایسته ندانسته است؛ مانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر(ع):

عن أبي جعفر(ع) فی حدیث، قال(ع): لا یتبغی للمسلم أن یتزوَّجَ یهودیةً ولا نصرانیةً و هو یجد مسلمة حرة أو أمة؛^{۱۳}

امام باقر(ع) در حدیثی می فرماید: برای مسلمان شایسته نیست که با زن یهودی یا نصرانی ازدواج کند؛ در حالی که به زن مسلمان، آزاد و یا کنیز دسترسی دارد. البته سند حدیث دوم ناقص است و دلالت هر دو را نیز می توان در مقابل ادله جواز، بر کراهت حمل کرد.

مهمترین بخش از روایات منع کننده روایاتی^{۱۴} است که «کوافر» را در آیه «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْکُوفَرِ» به گونه ای تفسیر می کنند که شامل زنان کتابی هم می شود و طبق این روایات آیه شریفه مذکور نسخ کننده آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الذِّینِ أُوتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلُکُمْ ...» است. با این که روایات جواز نکاح بیشترند ولی برخی نظریه حرمت را ترجیح داده اند؛ با این استدلال که آیه شریفه «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْکُوفَرِ» روایات حرمت را ترجیح می دهد و یا این که بعد از تعارض روایات جواز با روایات حرمت و تساقط آنها آیه مذکور مرجع است. اشکال استدلال به آیه مذکور این است که اطلاق کلمه «الکوافر» که زنان کتابی را در بر می گیرد، اطلاق به واسطه حذف متعلق است؛ چون بیان نشده که آنها به چه چیزی کافرند؛ به خدا و توحید تا آیه مخصوص ملحدان و مشرکان باشد، یا به نبوت رسول گرامی اسلام کفر می ورزند، تا آیه مذکور زنان اهل کتاب را نیز شامل شود؟ ما در جای خود روشن ساختیم که وجود قدر متیقن در مقام مخاطب، اطلاق ناشی از حذف متعلق را باطل می کند. قدر متیقن در این جا کفر به خدا و توحید است، بنابراین شمول آیه نسبت به زنان کتابی، روشن نیست.

اما اثبات اطلاق این آیه به کمک روایتی که می گوید آیه مذکور، ناسخ آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ

۱۳. همان، باب ۲، ح ۲ و ۳.

۱۴. همان، باب ۱ از ابواب ما یحرم بالکفر، ص ۵۳۳ و ۵۳۴، ح ۷۱.

الذین اتوا الكتاب... است؛ رجوع به سنت است و در این صورت دیگر آیه مذکور مرجح یا مرجع نیست. علاوه بر این که اطمینان داریم روایت مزبور اشکال دارد؛ زیرا به هیچ وجه نمی توان احتمال داد که آیه «لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ» ناسخ آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ...» باشد. مطابق نقل تاریخی، آیه شریفه «لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ» در قضیه صلح حدیبیه وارد شده است و می دانیم که صلح حدیبیه در اواخر سال ششم هجری اتفاق افتاده است. براساس این نقل، زنی از اهل مکه که مسلمان شده بود نزد پیامبر آمد و کفار مکه فردی را فرستادند تا بر اساس یکی از بندهای توافقنامه صلح (کسانی که از مکه به سوی مسلمانان در مدینه فرار می کنند باید به مکه برگردانده شوند اما فراریان از مسلمانان به سوی مکه، به مدینه باز گردانده نمی شوند) آن زن را به مکه بازگرداند؛ در این هنگام بود که آیه شریفه نازل شد، (۱۵) مضمون آیه به روشنی بر درستی این قضیه دلالت می کند. خداوند در این باره می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ ۚ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلِكَيْ سَأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ۚ ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛^{۱۶}

ای کسانی که ایمان آوردید وقتی زنان مهاجر با ایمان نزد شما آمدند آنها را بیازمایید که خداوند به ایمانشان آگاه تر است. اگر آنان را با ایمان یافتید آنها را به سوی کفار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برایشان و آن چه کفار برای ازدواج با آنان پرداختند به آنان پیردازد و اشکالی ندارد که با آن ها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید. و هرگز زنان کافر را به همسری خود نگه ندارید و حق دارید آن چه را پرداختید مطالبه کنید و آنها نیز می توانند آنچه را به

۱۵. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۳۷؛ سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۴۰.

۱۶. ممتحنه، آیه ۱۰ و ۱۱.

زنانشان پرداختند مطالبه کنند؛ این حکم خداوند است که میانتان حکم می کند و خداوند دانا و حکیم است. و اگر بعضی از همسرانتان به سوی کفار بازگردند و شما در جنگ بر آنان پیروز شوید و غنایمی بگیرید، به کسانی که همسران شما رفته اند، همانند چیزی را که پرداخته اند بپردازید و از خداوندی که به او ایمان دارید پروا کنید.

در باره زمان نزول آیه شریفه «والمحصنات من الذین اوتوا الكتاب...» که برخی گفته اند به وسیله آیه قبلی نسخ شده است اختلاف وجود دارد. طبق بعضی از روایات،^{۱۷} سوره مائده - که این آیه در آن وجود دارد - در اواخر زندگانی رسول خدا (ص) نازل شده است و در برخی دیگر از روایات آمده که سوره مائده، موارد قبل از خودش را نسخ کرده است ولی چیزی آن را نسخ نمی کند.^{۱۸} در روایت زراره از امام باقر (ع) - که سندش صحیح است - آمده است:

قال: سمعته يقول: جمع عمر بن الخطاب أصحاب النبي (ص) وفيهم علي (ع) و قال: ما تقولون في المسح على الخفين؟ فقام مغيرة بن شعبه فقال: رأيت رسول الله (ص) يمسح على الخفين، فقال علي (ع) قبل المائدة أو بعدها؟ فقال: لا أدري. فقال علي (ع): سبق الكتاب الخفين إنما أنزلت المائدة قبل أن يقبض بشهرين أو ثلاثة؛^{۱۹}

زراره می گوید از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: عمر بن خطاب اصحاب پیامبر اکرم (ص) را - که علی در میانشان بود - جمع کرد و گفت در باره مسح بر چکمه چه می گوید؟ مغیره بن شعبه به پا خاست و گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که بر چکمه هایش مسح می کرد. حضرت علی (ع) فرمود: قبل از نزول سوره مائده یا بعد آن؟ مغیره گفت: نمی دانم. حضرت علی (ع) فرمود: قرآن

۱۷. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۳۰.

۱۸. همان.

۱۹. التهذيب، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۱۰۹۱.

(در سوره مائده)^{۲۰} از مسح بر چکمه منع کرده است و سوره مائده هم دو یا سه

ماه قبل از رحلت پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.

عبید از محمد بن کعب روایت کرده که همه آیات سوره مائده در حجة الوداع در میان راه مکه و مدینه نازل شد.^{۲۱}

نکته جالبی در روایت ابو حمزه ثمالی وجود دارد؛ ایشان می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که سوره مائده یکجا و همراه هفتاد هزار فرشته نازل شد.^{۲۲}

اگر این حدیث صحیح باشد، نزول هفتاد هزار فرشته به احترام دو آیه غدیر است: **الْيَوْمَ يَنْشَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ؛** (۲۳) و نیز: **يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ...**^{۲۴}

به هر حال با توجه به نظریه ای که در باره تاریخ نزول سوره مائده وجود دارد، آیه «وَلَا تَمْسُكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» نمی تواند ناسخ آیه «وَالْمُحَصِّنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ ...» باشد. نظریه دیگری که فخر رازی هم آن را در باره تاریخ نزول سوره مائده می پذیرد این است که سوره مائده به غیر از آیه سوم آن بعد از فتح مکه - که در سال هشتم هجری اتفاق افتاد - نازل شده است. وی در باره آیه سوم این سوره می گوید: این آیه در سرزمین عرفات در حجة الوداع نازل شده است.^{۲۵}

شاید تعصب باعث شده که او این سخن را بگوید تا چنین پنداشته شود که آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ ...» با واقعه غدیر ارتباطی ندارد و بعد از سوره فتح نازل شده است. همچنین به گمان وی آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ...» نیز با غدیر ارتباطی ندارد،

۲۰. مائده، آیه ۶.

۲۱. تفسیر المنار، ج ۶، ص ۱۱۶.

۲۲. کنز الدقائق، ج ۴، ص ۲۲.

۲۳. امروز کسانی که کافر شدند از دیتان ناامید گشتند، پس از آنان نترسید و فقط از من بترسید؛ امروز دیتان را کامل کردم، مائده، آیه ۳.

۲۴. ای پیامبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده ابلاغ کن ...، مائده، آیه ۶۷.

۲۵. التفسیر الکبیر (رازی)، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

زیرا این آیه در سرزمین عرفات نازل شده است نه در میان راه مکه و مدینه و سرزمین غدیر .
 به هر حال بنا بر این دیدگاه نیز خیلی بعید است که آیه «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ ...»
 ناسخ آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ ...» باشد ؛ چون طبق نقل تاریخی
 مشهور ، سوره فتح بعد از صلح حدیبیه نازل شده و برخی از آیه های این سوره نیز بر این
 مطلب دلالت می کنند ، در حالی که پیشتر گفتیم که آیه «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ ...»
 مربوط به قضیه حدیبیه است .

مدلول آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ ...» با دقت در تمام آیه روشن می گردد . خداوند
 در این آیه شریفه می فرماید :

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَالٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَالٌ لَهُمْ
 وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ
 أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ
 عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^{۲۶}

امروز چیزهای پاکیزه و طعام اهل کتاب برایتان حلال است ؛ همچنین غذای شما
 هم برای آنها حلال است ، و نیز زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن از اهل
 کتاب بر شما حلال است هنگامی که مزدشان را بپردازید و پاکدامن باشید نه
 زناکار و نه دوست پنهانی و نامشروع ، و کسی که به ایمان کفر ورزد عملش تباه
 می گردد و در آخرت نیز از زیانکاران خواهد بود .

با دقت در ابتدای آیه روشن می گردد که آیه شریفه در صدد تسهیل روابط میان
 مسلمانان و اهل کتاب در زمینه طعام و نکاح است . احتمال نمی رود که این تسهیل روابط
 مربوط به زمانی باشد که روابط میان مسلمانان و اهل کتاب بحرانی بوده و درگیری و
 تعارض شدید با هم داشتند و مسلمانان هنوز هیمنه ای نیافته بودند ، یعنی فاصله زمانی میان
 صلح حدیبیه و فتح خیبر . در باره زمان نزول این آیه فقط دو احتمال می رود :

احتمال اول : آیه مربوط به بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری و سیطره کامل مسلمانان

بر مشرکین و اهل کتاب باشد. خداوند در این آیه می‌خواهد میان اهل کتاب و مشرکان فرق بگذارد، بدین گونه که مدارا به هیچ وجه با مشرکین جایز نیست ولی معاشرت با اهل کتاب در این حد جایز است به سبب وجه معنوی مشترك میان مسلمانان و آنان که همان اصل ایمان به خدا و پیروی از کتاب آسمانی است.

احتمال دوم: این آیه مربوط به بعد از فتح خیبر و تسلط مسلمانان بر اهل کتاب است. در این زمان خداوند می‌خواست سختی و درگیری میان آنان را کاهش دهد تا بر اثر اختلاط و معاشرتشان زمینه تدریجی هدایت اهل کتاب را فراهم کند. به عبارتی دیگر بعد از پیروزی مسلمانان به تداوم محدودیت‌های گذشته نیازی نبود.^{۲۷} بنابراین هر دو احتمال، آیه «وَالْمُحْسِنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...» بعد از آیه «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ...» نازل شده است، پس ممکن نیست به وسیله آن نسخ شده باشد و اگر از همه آن چه گفته شد اطمینان حاصل نشود که آیه پنجم سوره مائده بعد از آیه سوره ممتحنه نازل شده است، حداقل می‌توان گفت که کلمه «الکوفَر» در سوره ممتحنه اطلاق ندارد تا شامل اهل کتاب شود و مورد نزول آن، زنان مشرک است.

پس آیه «وَلَا تُمْسِكُوا...» نمی‌تواند روایات منع ازدواج دایم با اهل کتاب را ترجیح دهد و یا بعد از تعارض روایات، مرجع باشد. استناد به تفسیر کلمه «الکوفَر» در روایت به گونه‌ای که شامل زنان کتابی شود، رجوع به یکی از دو طرف روایات متعارض است نه رجوع به قرآن.

بی شک روایت‌های جواز بیشتر و قوی‌تر است؛ زیرا مهم‌ترین روایت منع، همان صحیح‌ه‌ای بود که آیه «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ» را ناسخ می‌دانست، بقیه روایت‌ها را هم می‌توان در مقابل روایات جواز بر کراهت حمل کرد. روایت‌های جواز زیادند که ما احادیث صحیح آن‌ها را نقل کردیم و احادیث دیگری نیز می‌توان به آن‌ها افزود که سند آنها تمام نیست و آنها را نقل نکردیم. حداقل بر اساس قاعده تخییر بین دو خبر متعارض می‌توانیم روایات‌های جواز را ترجیح دهیم و در نتیجه می‌توان گفت که ازدواج دایم با زنان اهل کتاب؛ یعنی فقط یهودی و مسیحی - نه مجوسی - جایز است.